

پیوند سست خانه و مدرسه

بیست و چهارم مهر روز پیوند اولیا و مربیان است، یک روز نمادین که آغازگر هفته پیوند است و هدفش پیوند دادن خانواده دانش‌آموزان با مسئولان مدرسه.



بیست و چهارم مهر روز پیوند اولیا و مربیان است، یک روز نمادین که آغازگر هفته پیوند است و هدفش پیوند دادن خانواده دانش‌آموزان با مسئولان مدرسه. برای بیشتر دانش‌آموزان قدیم، انجمن اولیا و مربیان، یادآور یک خاطره است؛ اکراه پدر و مادرها برای حضور در انتخابات انجمن، حضور کمرنگ‌شان در روز رای‌گیری و رختی که مانع نامزد شدن آنها می‌شد. البته در خاطرات غبار گرفته قدیمی، اولیایی نیز بودند که پرشور در جلسه حاضر می‌شدند، برنامه می‌دادند و ابراز وجود می‌کردند و در نهایت به عنوان نماینده اولیا، عضو انجمن می‌شدند که معمولاً نیز فرزندان این افراد در مدرسه جایگاه و حرمت بیشتری داشتند. اما به غیر از این گروه اندک، دیگران دچار رخوت بودند و گریزان از مشارکت.

سال‌هاست چرخ انجمن‌های اولیا و مربیان بر این مدار می‌چرخد و با این که انجمن‌ها امسال چهل و هفت ساله می‌شوند همچنان در وضعی مشابه سال‌های قبل طی طریق می‌کنند و نتوانسته‌اند به‌عنوان یک نهاد مدنی به ارتقای نظام آموزشی کشور و تربیت نسلی عالم و اخلاقی کمک شایانی کنند. البته این اشاره به همه انجمن‌های فعال در مدارس نیست که در بین انجمن‌ها می‌شود گروه‌هایی را پیدا کرد که با انگیزه و انرژی در امور مدرسه مشارکت می‌کنند و پیوندی محکم میان اولیا و مربیان ایجاد کرده‌اند. اما این انجمن‌ها را باید استثنا دانست، چون سال‌ها تجربه نشان داده غلبه با انجمن‌های منفعل است که به گفته برخی مدیران، روی کاغذ شکل می‌گیرند، همان جا رشد می‌کنند و بجز یک نام رد پایی از خود باقی نمی‌گذارند.

با وجود این حقیقت، در بدنه آموزش و پرورش کمتر کسی اذعان به این ضعف دارد، حتی احمدرضا ایمانی، رئیس گروه انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران گرچه وجود انجمن‌های ناکارآمد را تأیید می‌کند، ولی به غالب بودن انجمن‌های موثر بر انجمن‌های ضعیف معتقد و از گفته خویش مطمئن است. او در گفت‌وگو با جام جم از تشکیل سه کارگروه در مدارس می‌گوید که انجمن‌ها در قالب این کارگروه‌ها ایفای نقش می‌کنند؛ اول کارگروه آموزشی، دوم پرورشی و سوم کارگروه عمرانی. ایمانی به ارزیابی‌های اداره کل شهر تهران اشاره می‌کند که نشان داده تاکنون در این سه حوزه خدمات چشمگیری در جهت آموزش خانواده‌ها، ارتقای سطح تحصیلی دانش‌آموزان، ورود به مباحث اخلاقی، تربیتی و اوقات فراغت دانش‌آموزان انجام شده و اگر مشارکت انجمن‌های اولیا و مربیان در حوزه عمرانی نبود هنوز بسیاری از مدارس با مشکلات جدی دست و پنجه نرم می‌کردند.

اما گفته‌های ایمانی گرچه راوی بخشی از حقایق مربوط به انجمن‌هاست، ولی همه حقیقت را در برنمی‌گیرد، حقایقی که از ناکارآمدی‌ها و رخوت‌ها و معضلات حکایت می‌کند و در نزدیک به نیم قرن که از عمر انجمن‌های اولیا و مربیان می‌گذرد دوايي برايش تجویز نشده است.

دوباره پول می‌خواهید؟

انجمن یعنی پول؟ یعنی گردن کج کردن و از اولیا مطالبه کمک مالی داشتن؟ نه، معنی انجمن اولیا و مربیان هیچ‌کدام از اینها نیست بلکه انجمن‌ها پایه‌ریزی شده‌اند تا میان خانه و مدرسه مشارکت فکر، فرهنگی، عاطفی و آموزشی برقرار کنند و راه رسیدن به اهداف مدرسه را که در نهایت به شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های دانش‌آموزان منجر می‌شود، هموار کنند. طبق مرام‌نامه، انجمن‌ها باید بتوانند از توانمندی‌های همه اولیای دانش‌آموزان در اداره هر چه بهتر مدرسه بهره بگیرند و در صورت نیاز، صاحبان حرف و مشاغل و نیز مشارکت افراد نیکوکار و موسسات خیریه را برای تأمین امکانات مورد نیاز جلب کنند. انجمن‌ها همچنین حق دارند با تهیه برنامه بهداشتی و پزشکی، کمک‌کار مربیان بهداشت مدارس باشند و بر بهبود شرایط جسمی دانش‌آموزان تمرکز کنند.

برخی انجمن‌ها در این مسیر گام برمی‌دارند و بدرستی ایفای نقش می‌کنند، اما بیشتر آنها از این راه منحرفند و فقط یک وجهه برای خود ترسیم کرده‌اند؛ دریافت کمک مالی از اولیا و تأمین نیازهای اقتصادی مدرسه.

مدیر یکی از مدارس دولتی در گفت‌وگو با جام جم این موضوع را تأیید می‌کند و می‌گوید موضوع دریافت پول از طریق انجمن‌ها به اندازه‌ای جدی است و جاافتاده که بیشتر اولیا وقتی از انجمن دعوت‌نامه دریافت می‌کنند آن را مساوی با تلاش برای دریافت پول قلمداد می‌کنند و در جلسات حاضر نمی‌شوند. او می‌گوید این بعد از انجمن‌ها به قدری قوی است که حتی برخی اعضا به مدیر مدرسه پیشنهاد می‌دهند که هنگام تحویل کارنامه به دانش‌آموزان از آنها پول دریافت کنند که اغلب نیز به علت نگرانی مدیر از برخوردهای آموزش و پرورش، کار به اختلاف نظر می‌کشد.

موضوع دریافت پول و تمرکز اغلب انجمن‌ها بر مسائل مالی را چند مدیر دیگر نیز در گفت‌گو با ما تأیید کردند و حتی یکی از آنها وجهه مالی انجمن‌ها را عامل دلزدگی اولیا برای مشارکت پرشور در انتخابات انجمن و جلسات ماهانه معرفی کرد. مدیر گروه انجمن اولیا و مربیان شهر تهران نیز قبول دارد برخی انجمن‌ها چنین می‌کنند و می‌گویند آنچه از انجمن‌ها انتظار می‌رود بسترسازی برای تقویت مسائل اخلاقی و تربیتی و استحکام بنیان خانواده‌ها و رشد تحصیلی و معنوی دانش‌آموزان است که بی‌شک بر مسائل مالی تقدم دارد.

اما انجمن‌های تنیده در مادیات و محصور شده در مشکلات مالی نمی‌توانند مدارس را به چنین درجاتی برسانند، گرچه که مشکلات مالی مدارس طبیعی است اگر انجمن‌ها را به این مسیر بکشاند، هرچند این کشش مادی انحرافی آشکار برای انجمن‌های اولیا و مربیان محسوب می‌شود.

مشکلی به نام مدیران اقتدارگرا

انجمن اولیا و مربیان آمده تا کمک حال اولیای مدرسه باشد؛ یعنی به مدیران همفکری دهد، اگر اعضای آن مهارتی دارند بی‌دریغ در اختیار مدرسه بگذارند و اگر می‌توانند در تعالی دانش‌آموزان ایفای نقش کنند. اما گزارش‌ها حاکی است برخی مدیران این حضور را برنمی‌تابند. یکی از مدیران مدارس دولتی که بارها شاهد این ماجرا بوده به جام‌جم می‌گوید برخی مدیران حضور دائم اعضای انجمن در مدرسه را نوعی دخالت می‌دانند و معتقدند پیشنهادهایی می‌دهند که عملی نیست، حتی برخی از آنها انجمن اولیا و مربیان را نهادی تشریفاتی و محل امور مدرسه می‌دانند. البته مدیری دیگر می‌گوید گاهی اوقات دامنه این دخالت‌ها واقعا وسیع است به طوری که برخی اعضای انجمن فراتر از حدود اختیارات قانونی عمل می‌کنند و مثلا به مدیر فشار می‌آورند که برای روز معلم هدیه‌ای برای همکاران تهیه نکنند.

این دو اظهار نظر گواهی است بر این که تعامل میان برخی انجمن‌ها و برخی مدیران تا چه اندازه مخدوش بوده و این رابطه مخدوش برای رسیدن به تعادل تا چه اندازه به هدایت صحیح و اعمال روش‌های کارآمد مدیریتی نیازمند است.

مشارکت مردم؛ شرط پا گرفتن انجمن‌ها

ایران اکنون بیش از 12 میلیون دانش‌آموز دارد که اگر همه آنها را صاحب دو والد بدانیم آمار والدین دانش‌آموزان به بیش از 24 میلیون نفر می‌رسد. این یعنی سیل جمعیت، یک نیروی قدرتمند انسانی که مانند قطره‌هایی که دریا می‌شوند، می‌تواند همه موانع را از پیش رو بردارد، البته اگر والدین بی‌سواد و کم‌سواد یا آن گروه از والدین را که مهارت و توانمندی ویژه‌ای ندارند از این جمع فاکتور بگیریم.

ولی با این حال باز هم رقمی که می‌ماند بزرگ است و قابل اعتنا. اما مشکل این است که این گروه بزرگ، میلی به شرکت در انجمن‌ها ندارند و این را تعداد اندک نامزدها در روز رای‌گیری برای انتخابات انجمن اولیا و مربیان تأیید می‌کند.

یکی از مدیران مدارس ابتدایی به جام‌جم می‌گوید سال گذشته در مدرسه 400 نفری او با اصرار فراوان فقط هفت نفر نامزد شدند که فقط سه نفر از آنها افراد توانمندی بودند.

این مدیر معتقد است علت اصلی مشارکت حداقلی والدین، ناکارآمدی انجمن‌های اولیا و مربیان و وجود پیش‌زمینه ذهنی درباره آنهاست که والدین را بر آن می‌دارد حضور در انجمن‌ها را بی‌فایده بدانند.

مدیر گروه انجمن اولیای و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران نیز به این مانع اشاره دارد و معتقد است باید کاری کرد تا همه اولیا خود را عضو انجمن بدانند و خود را ناظری بر عملکرد مدارس تلقی کنند. پیشنهاد او برای رسیدن به نقطه جلب اعتماد عمومی از سوی مدیران از طریق ارائه گزارش عملکردهای شفاف است، همچنین گفت‌وگوی صادقانه با خانواده‌ها و تشریح صریح مشکلات مدرسه و دست یاری دراز کردن به سمت اولیا.

البته بجز ضرورت خروج والدین دانش‌آموزان از رخوت کنونی و لزوم تدبیر مدیران در برقراری تعامل با خانواده‌ها و انجمن‌ها، تغییر نگاه مسئولان آموزش و پرورش به جایگاه انجمن‌ها نیز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، چون اکنون گله این است که آموزش و پرورش در مقابل فشار خانواده‌ها بیشتر انعطاف نشان می‌دهد تا در مقابل خواسته‌های روسای انجمن‌های اولیا و مربیان.

پس علاوه بر تقویت مشارکت مردم، نگاه مدیران آموزش و پرورش به انجمن‌ها نیز باید تغییر کند و این‌طور نباشد مدیری به رسانه‌ای گلایه کند که ادارات آموزش و پرورش فقط از انجمن‌ها گزارش برگزاری جلسات را می‌خواهند، نه نتیجه‌ای که از این جلسات عاید مدرسه می‌شود.

راه‌هایی برای جلب مشارکت اولیا

خانه و مدرسه را نمی‌شود از هم جدا کرد؛ این دو 12 سال باید دوش به دوش هم حرکت کنند تا دانش‌آموزی که ابتدا در خانه تربیت شده، در طول این سال‌ها در مدرسه نیز پرورده شود و به شکوفایی برسد. اما ارتباط میان خانه و مدرسه یعنی تلاش همزمان آنها برای تعلیم و تربیت همیشه برقرار نیست چون از یک سو مدرسه توقع فعالیت بیشتر از والدین دارد و از سوی دیگر والدین نیز مدرسه را همه‌کاره تعلیم و تعلم می‌دانند.

این که بیشتر والدین دانش‌آموزان ارتباط کمرنگی با مدرسه و سیستم آموزشی دارند و کمتر برای ارتقای کیفیت آموزش در مدرسه تلاش می‌کنند، مشکلی قدیمی است. این که بیشتر مدارس دافعه دارند و جاذب مشارکت‌های مردمی نیستند نیز مشکلی کهنه است، اما این وضع نمی‌تواند تا ابد ادامه پیدا کند و به صلاح نیست اگر این رابطه تیره همچنان ادامه‌دار باشد.

آموزش و پرورش اکنون دارای سند تحول بنیادین است که تحول همه‌جانبه در سیستم بویژه تحول در کیفیت تعلیم و تعلم را خواستار است. همچنین طرح تعالی مدیریت آموزشی که در دستور کار دارد که هدفش تربیت مدیران متعالی است که به

مشارکت دادن دانش‌آموزان و خانواده آنها در امور مدرسه باور داشته باشند.

البته چون مشارکت اجتماعی در کشور ما موضوعی تمرین نشده است و اغلب مردم با الفبای آن ناآشنا هستند، زمان می‌برد تا مشارکت‌های مدنی در مدارس نمود پیدا کند. ولی با این حال راه‌هایی وجود دارد که به کمک آن می‌توان این مشارکت را آغاز کرد.

اولین راه، پوست‌اندازی آموزش و پرورش سنتی است که مقامات ارشدش از بالا دستور صادر می‌کنند و دیگران مجبور به اطاعت هستند. پس ابتدا باید برای مدیران مدارس و معلمان و در مرحله بعد برای دانش‌آموزان و اولیای آنها اختیاراتی را در نظر گرفت تا جایگاه آنها در نظام آموزشی کشور مشخص شده و راه اعتماد به قابلیت‌های این افراد باز شود.

در گام بعدی باید مدیرانی منعطف تربیت کرد که همه سهم مدیریت را برای خود نخواهند یعنی قصد ریاست نداشته باشند، بلکه هدفشان اعمال مدیریت و فرماندهی باشد، آن هم با کمک همه همکاران و دانش‌آموزان. سپس باید مفهوم مشارکت را در میان مردم جا انداخت تا مرز دخالت و مشارکت را درک کنند و بدانند ایفای چه نقش‌هایی از آنها مورد انتظار است. زمانی که اولیای مدرسه و خانه به این درک مشترک برسند، تحقق مشارکت نیز آسان می‌شود که البته شناسایی مدیران مشارکت‌جو و استخراج روش‌هایی که به کار گرفته‌اند و نیز آموزش این روش‌ها به مدیران دیگر می‌تواند در شکل‌گیری مشارکت‌های اجتماعی در فرآیند تعلیم و تربیت موثر باشد.

مریم خباز / گروه جامعه